

روز شمار فاطمیہ

نگاہی گذرا بہ حوادث و رویدادها
از رحلت پیامبر تا هجوم بہ خانہ فاطمہ

استخراج: دکتر عدنان دحشان

با همکاری: علی لباف - فرشا عسکری

سرشناسه: درخشان، عدنان، ۱۳۵۲
عنوان و نام پدیدآور: روزشمار فاطمیّه / استخراج عدنان درخشان.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات تک، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.
شابک: ۴-۰۴-۶۷۳۷-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
موضوع: فاطمه زهرا علیها السلام، ۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. سال‌شمار.
موضوع: اسلام، تاریخ، از آغاز تا ۱۱ ق.
رده‌بندی کنگره: ۹ ر ۴۲ د / ۲ / ۲۷ BP
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۷۳
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۷۸۵۵۱

شابک ۴-۰۴-۶۷۳۷-۹۶۴-۹۷۸ - 4 - 04 - 6737 - 964 - 978 ISBN

روزشمار فاطمیّه

مؤلف: عدنان درخشان
با همفکری: علی لیثاف - فرشاد عسگری
ناشر: تک

حروفچینی و صفحه‌آرایی: شبیر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه

چاپ: پدیده گوتنبرگ

مراکز پخش: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۳۶ ۱۸ ۵۲ ۷۷ (خط ۶)
تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی‌پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۸۰۱ ۶۶ ۳۳۵ (خط ۴) همراه: ۳۶ ۱۸ ۷۵۲ (۰۹۳۵)

۱۰۰۰ تومان



روز شمار فاطمیه

نگاهی گذرا به حوادث و رویدادها

- حوادث روز دوشنبه ۹
- آخرین نماز پیامبر ﷺ ۹
 - آخرین خطبهٔ پیامبر ﷺ ۱۰
 - وفات پیامبر ﷺ ۱۱
 - سقیفهٔ بنی ساعده ۱۲
 - بیعت اوئیه ۱۳
 - تغسیل و تکفین پیامبر ﷺ ۱۳
 - ورود قبیلهٔ «أسلم» ۱۴
 - حوادث شام‌گاه دوشنبه ۱۵

۱۷	حوادث روز سه‌شنبه
۱۷	● بیعت عمومی
۱۸	● تلاش برای تطمیع عباس عموی پیامبر ﷺ
۱۹	● تدفین پیامبر ﷺ
۲۱	حوادث روز چهارشنبه
۲۱	● جمع‌آوری قرآن
۲۲	● آغاز تحصّن
۲۲	● اولین هجوم مقدّماتی
۲۳	● دومین هجوم ابتدایی
۲۵	حوادث روز پنج‌شنبه
۲۵	● ادامه جمع‌آوری قرآن و تحصّن
۲۷	حوادث روز جمعه
۲۷	● اتمام جمع‌آوری قرآن
۲۸	● هجوم منجر به شکست تحصّن
۲۹	● اولین شب یاری طلبی
۳۱	حوادث روزهای شنبه و یک‌شنبه
۳۱	● مصادره اموال
۳۳	● دومین و سومین شب یاری طلبی
۳۵	حوادث روز دوشنبه
۳۵	● اتمام حجّت و آغاز سکوت

۳۵	● عرضه قرآن
۳۶	● خطبه «وسيله»
۳۹	حوادث روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه
۳۹	● فهرست اموال مصادره شده
۴۳	حوادث روز پنج‌شنبه
۴۳	● آغاز مصادره فدک
۴۴	● خطابه فاطمی
۴۵	● واکنش تند خلیفه
۴۶	● هم‌پیمانی دوازده نفر
۴۹	حوادث روز جمعه
۴۹	● دوازده مرد پایدار
۵۰	● تأثیر احتجاج در مسجد
۵۱	حوادث روزهای شنبه، یک‌شنبه، دوشنبه
۵۱	● سه روز خانه‌نشینی و برنامه‌ریزی
۵۲	حوادث روز سه‌شنبه
۵۳	● سقیفه‌ای دیگر
۵۴	● مصادره قطعی فدک
۵۵	حوادث روز چهارشنبه
۵۵	● فهرست دیگری از اموال مصادره شده

حوادث روز پنج‌شنبه	۵۷
● آغاز تلاش برای بازپس‌گیری فدک	۵۷
● تنظیم سند استرداد فدک	۵۸
● بازپس‌گیری سند	۵۸
حوادث روزهای جمعه تا پنج‌شنبه	۵۹
● سرمست از پیروزی	۵۹
● تجمّع مردان مسلّح	۶۰
● آخرین هجوم (= هجوم اصلی)	۶۱
● بیعتی نمایشی	۶۴
● آخرین جلوّه فاطمی	۶۵
دورنمای حوادث فاطمیّه	۶۷
منابع استخراج روزشمار فاطمیّه	۷۱

حوادث روز دوشنبه

روز وفات

● آخرین نماز پیامبر ﷺ

صدای اذان بلال بلند می‌شود. هنگام نماز صبح، اهل مدینه برای اقامه نماز به سوی مسجد می‌آیند.

در میان تعجب حاضران، ابوبکر - پسر ابی قحافه - که باید به همراه سپاه اُسامه بن زید حرکت کرده و از مدینه خارج شده باشد؛ به مسجد النبی ﷺ وارد می‌شود و به عنوان امام جماعت، نماز را آغاز می‌کند.

دوستان وی از جمله: عُمَر فرزند حَطّاب و ابو عبیده، از سپاه اُسامه خارج شده‌اند و او را همراهی می‌کنند.

بلال خبر این توطئه را به خانه پیامبر ﷺ می‌رساند.

پیامبر ﷺ که به شدت بیمار هستند، با شنیدن این خبر غضبناک می‌شوند.

امیر مؤمنان علی و فضل بن عباس - پسر عموی پیامبر - زیر بغل

● وفات پیامبر ﷺ

اندکی بعد، بیماری پیامبر ﷺ شدّت می‌یابد. آن حضرت ﷺ، امیر مؤمنان علیه السلام را فرامی‌خوانند. امیر مؤمنان علیه السلام سر پیامبر ﷺ را بر سینه خود می‌گیرند. لحظاتی بعد، پیامبر ﷺ در حجره شخصی خویش و در سنّ ۶۳ سالگی، دار فانی را وداع می‌گویند.

خبر رحلت خاتم الانبیا علیهم السلام به سرعت مدینه را درمی‌نوردد و سپاه اُسامه این خبر را - توسط پیکی که عایشه او را روانه کرده است - در «جُرف» می‌شنود.

عُمَر بن حَطَّاب و ابو عُبَیْدَه، به سرعت سپاه را ترک می‌کنند و به مدینه بازمی‌گردند. عُمَر به مسجد پیامبر ﷺ وارد می‌شود و پیوسته فریاد می‌کشد: رسول خدا نمرده است!... هر کس بگوید که او مرده، با این شمشیر او را نشانه می‌روم.

این سخنان، رنگ خشونت به خود می‌گیرد.

خبر وفات، با کمی تأخیر به سُنْح نیز می‌رسد و ابوبکر مدّتی بعد خود را به سرعت و بایک شتر - که از پیش آماده کرده‌اند - به مدینه می‌رساند و به مسجد النبی علیه السلام وارد می‌شود.

او روانداز پیامبر علیه السلام را کنار می‌زند و پس از اطمینان از وفات آن حضرت، برمی‌خیزد و می‌گوید:

هر کس محمّد را می‌پرستید، بدانند که او مرده است و هر کس خدا را می‌پرستید، پس بدانند که خدا زنده است و نمی‌میرد.

آن حضرت را می‌گیرند و پیامبر علیه السلام - در حالی که پاهای مبارکش بر روی زمین کشیده می‌شود - به مسجد وارد می‌شوند. رسول خدا علیه السلام ابوبکر را کنار می‌زند و خود، نماز را نشسته برگزار می‌نمایند و مسلمانان به ایشان اقتدا می‌کنند.

● آخرین خطبه پیامبر ﷺ

پس از نماز، پیامبر علیه السلام به زحمت بر اوّلین پله منبر خویش قرار می‌گیرند و با اشاره به حدیث ثَقَلَيْنِ، بار دیگر بر راه هدایت پافشاری می‌نمایند و در برابر سؤال معترضانۀ عُمَر، تک‌تک اهل بیت علیهم السلام را معرفی می‌فرمایند و در انتها، از وجود فتنه‌های بی‌پایان سخن به میان می‌آورند.

پیامبر علیه السلام از منبر پایین آمده و به منزل خویش برمی‌گردند. ابوبکر و یارانش، دیگر تاهنگام وفات پیامبر علیه السلام دیده نمی‌شوند.

ابوبکر به طرز مشکوکی به خارج از مدینه - به منزل خویش در «سُنْح» - رفته است.

به دستور پیامبر علیه السلام بر بدن مبارک آن حضرت، آب می‌ریزند. تب، اندکی فرونشسته است.

پیامبر علیه السلام بار دیگر «اُسامه» را فرامی‌خوانند و برای چندمین بار به او دستور اکید می‌دهند که با سپاهیان خویش، شهر مدینه را ترک کند.

● سقیفه بنی ساعده

ابوبکر در خانه پیامبر ﷺ، در کناری نشسته است و حوادث را به دقت زیر نظر دارد.

«مَعْنُ بن عَدِي» و «عُوَيْمُ بن سَاعِدَةَ» خبرگردهم آیی انصار در سقیفه را به عُمَرُ می‌رسانند.

او نیز ابوبکر را با خبر می‌سازد و هر دو، روانه سقیفه بنی ساعده می‌شوند.

ابوبکر در راه، ابو عُبَیْدَةَ را نیز با خود همراه می‌سازد.

در سقیفه، به علت اختلاف دیرینه دو قبیله «اوس» و «خزرج»، مهاجرین با یاری هواداران قدیمی خود در میان انصار - که بر این اختلاف دامن می‌زدند - گوی سبقت را از سَعْدُ بن عُبَادَةَ انصاری می‌ربایند.

انصار در رقابت بایکدیگر، برای بیعت با ابوبکر پیش‌دستی می‌کنند. ابتدا بشیر بن سَعْدُ خَزْرَجی و سپس اُسَیْدُ بن حُضَیْرُ اُوسی - که هر دو از هواداران با سابقه ابوبکر به شمار می‌آیند - به شتاب بیعت می‌کنند تا سایر انصار نیز از آن دو پیروی کنند.

عُمَرُ و ابو عُبَیْدَةَ نیز پس از آن دو با ابوبکر بیعت کرده‌اند.

... گرد و غبار همه جا را فرا گرفته است.

عُمَرُ فریاد می‌زند و به سوی سَعْدُ بن عُبَادَةَ حمله‌ور می‌شود.

سَعْدُ بن عُبَادَةَ را از زیر دست و پا خارج می‌کنند و از سقیفه

بیرون می‌برند.

اوضاع کم‌کم به نفع ابوبکر آرام می‌شود...

● بیعت اولیه

ابوبکر از سقیفه به سوی مسجد پیامبر ﷺ خارج می‌شود. اطرافیان او، هرکس را که در راه می‌بینند، گرفته و نزد ابوبکر می‌آورند؛ دست او را جلو آورده و به عنوان بیعت، به دست ابوبکر می‌زنند.

بدین ترتیب، ابوبکر به همراه هوادارانش وارد مسجد می‌شود.

هنگام ظهر است؛ ابوبکر به عنوان خلیفه رسول خدا ﷺ نماز می‌گذارد!

سخنران قبل از نماز، عُمَرُ بن حَطَّاب است.

● تغسیل و تکفین پیامبر ﷺ

مراسم غسل و کفن پیامبر ﷺ با تمامی آداب و مستحبات آن، به پایان رسیده است و جز امیر مؤمنان، صدیقه کبری، حَسَنَیْنُ اَبْنَتَا، سلمان، ابوذر، مقداد، عَمَّار، حُدَیْفَه، اُبَیُّ بن کَعْب و ... - جماعتی که نزدیک به چهل نفرند - کس دیگری در نماز بر جنازه پیامبر ﷺ حاضر نمی‌شود.

پس از نماز، امیر مؤمنان اَبُو بَکْرٍ در خطبه‌ای کوتاه، خود را در امر خلافت از مهاجر و انصار برتر می‌دانند.

جو مسجد و اطراف آن هر لحظه سنگین‌تر می‌شود.

● ورود قبیله «اَسْلَم»

عُمَر به همراه گروهی در مدینه می چرخند و در کوچه‌های آن فریاد می زنند:

همانا با ابوبکر بیعت شده است، پس برای بیعت بشتابید.
 قبیله اَسْلَم که گویا با هماهنگی قبلی در بیرون مدینه آماده بودند، با چوب دستی‌های بلندی وارد مدینه می شوند.
 عُمَر بن حَطَّاب با دیدن افراد این قبیله، مطمئن می شود که حکومت آن‌ها پابرجا خواهد شد.

افراد این قبیله، دستور دارند که همگان را برای بیعت به مسجد بفرستند و اگر کسی امتناع کرد، به سر و پیشانی او بزنند.
 مدّتی بعد، این گروه که با لباس‌های هماهنگ مشخص هستند، وارد خانه‌های مردم مدینه می شوند و افراد را به اکراه برای بیعت بیرون می آورند. کوچه‌های مدینه از شدت تحرّک آنان برای گرفتن بیعت، تنگ شده است.

○ حوادث شام‌گاه دوشنبه

در شام‌گاه روز دوشنبه، زید بن ثابت که نسبی یهودی دارد و جوانی تازه مسلمان است، به خانه انصار می رود و از جانب ابوبکر، بین آن‌ها خرما پخش می کند.

زنی از انصار با ردّ این بذل و بخشش مخفیانه، در مقام اعتراض می گوید:

آیا در دینم به من رشوه می دهید؟

در انتهای شب، «براء بن عازب» که از حوادث پیش آمده به شدت اندوهگین است، سکوت سنگین مسجد پیامبر ﷺ را نمی تواند تحمل کند و با خارج شدن از آن جا، به سوی محله «بنی بیاضه» حرکت می کند.

در آن جا، عده‌ای را می بیند که بر سر پیمان غدیر استوارند و می خواهند در برابر پیمان شکنان و کودتاچیان ایستادگی کنند.

نام آن‌ها چنین است:

مِقْداد، عَمّار، ابوذر، سلمان، عبّاد بن صامِت، حُدَیْفَة بن یَمان و زُبَیْر.

فرد دیگری که هم اعتقاد با آنان است اما چون گرفتار تردید شده، از پشت در بسته آنان را تأیید می کند، اُبی بن کَعْب نام دارد.

حوادث روز سه‌شنبه

یک روز پس از وفات

● بیعت عمومی

ساعاتی پیش از ظهر، ابوبکر، عمر و ابو عبیده به مسجد وارد می‌شوند و با ورود آنان، بلافاصله عثمان و قومش (بنی امیه) و عبدالرحمان بن عوف و قبیله‌اش (بنی زُهره) که در مسجد بودند، برخاسته و بیعت می‌کنند.

آری! امروز، روز بیعت عمومی است. مسلمانان که دیروز، تهدید و دیشب، تطمیع را تجربه کرده‌اند، امروز برای بیعت با ابوبکر از یکدیگر پیشی می‌گیرند و دست خویش را با دست‌های خلیفه آشنا می‌کنند تا گوی سبقت را از هم بربایند. در گوشه شرقی و چسبیده به مسجد، حجره‌ای قرار دارد که جنازه پیامبر ﷺ، در آن جای گرفته است. این خانه، خاموش است.

هنوز اهل سقیفه و برخی همسران پیامبر ﷺ برای نماز خواندن بر جنازه رسول خاتم ﷺ وقت پیدانکرده‌اند.

● تدفین پیامبر ﷺ

در انتهای روز، ابوبکر و عُمر که در مسجد به گرفتن بیعت مشغول اند، اعلام می‌کنند که نمی‌توانند بر جنازهٔ پیامبر ﷺ که در خانهٔ مجاور مسجد است، حاضر شوند.

امیر مؤمنان علیه السلام، به تدفین پیامبر ﷺ مشغول می‌شوند و بدن پیامبر صلی الله علیه و آله در شب چهارشنبه، دو روز پس از وفات، به خاک سپرده می‌شود.

هنوز اطرافیان خلافت و برخی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازهٔ آن حضرت صلی الله علیه و آله نماز نخوانده‌اند.

عایشه که اتاق او در گوشهٔ مسجد واقع است، می‌گوید:

به خدا قسم! نفهمیدم پیامبر چه زمانی دفن شد، تا این که در شب چهارشنبه، صدای بیل‌ها را از حجرهٔ پیامبر شنیدم!
همانا سقیفه گران، هدف دیگری را دنبال می‌کنند.

گروهی از اطرافیان دستگاه خلافت، به جهت خوش خدمتی به خلیفه، در کنار منزل امیر مؤمنان علیه السلام فریاد «بیعت کنید» و «از اجتماع مسلمانان دوری نگرینید» سر می‌دهند.
در این روز، سخن از تهدید نیز به میان می‌آید.

● تلاش برای تطمیع عبّاس عموی پیامبر ﷺ

در انتهای شب، در جلسه‌ای مشورتی، ابوبکر، نظر عُمر، ابو عبیده و مُعیرة بن شُعبه را دربارهٔ ایجاد شکاف بین بنی‌هاشم خواستار می‌شود. مُعیرة بن شُعبه پیشنهاد تطمیع و مصالحه با عبّاس - عموی پیامبر صلی الله علیه و آله - را مطرح می‌کند.^۱

این گروه چهار نفره، همان شب با مراجعه به منزل عبّاس بن عبدالمطلب برای او و فرزندانش سهمی از خلافت را پیشکش می‌کنند. پاسخ منفی عبّاس این نقشه را به بن‌بست می‌کشاند.

جنازهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز بر روی زمین است.

کسانی که قصد خداحافظی با پیامبر خویش را داشتند، دیروز برای خواندن نماز حاضر شده‌اند و امروز (سه‌شنبه) کمتر کسی به خانهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله مراجعه می‌کند.

امیر مؤمنان علیه السلام چند بار برای سقیفه گران پیام می‌فرستند تا برای نماز بر پیامبر صلی الله علیه و آله آماده شوند.

۱ - در یکی از همین روزها، حزب حاکم، با پرداخت رشوه‌ای کلان به ابوسفیان، حمایت جناح بنی‌أُمیّه را به دست آورد و بدین ترتیب، یکی از قوی‌ترین رقبای سیاسی خود را به زانو درآورد.

حوادث روز چهارشنبه

دو روز پس از وفات

● جمع‌آوری قرآن

امیر مؤمنان علیه السلام اینک به سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله به امر مهم دیگری دست یازیده‌اند: جمع‌آوری قرآن. امروز، اولین روز از ایام جمع‌آوری قرآن است. در ایام رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله، آیات قرآن بر روی پوست حیوانات، سنگ‌های صاف، استخوان کتف شتر و... نوشته و ثبت می‌شد. اینک در فقدان نبی صلی الله علیه و آله، پایان ایام نبوت و اتمام نزول قرآن، همه آیات، در یک مجموعه و به شیوه‌ای خاص، قابل جمع‌آوری است.

این جمع‌آوری، بر عهده وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است. آن حضرت علیه السلام، قرآن را براساس ترتیب نزول آیات و مشخص کردن مواردی چون: شأن نزول، محکم و متشابه، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ و تفسیر و تأویل هر یک از آیات آن، گردآوری می‌کنند.

● آغاز تحصّن

در مسجد، همچنان اخذ بیعت برای ابوبکر صورت می‌گیرد. گروهی از صحابه، به نشانه اعتراض به غصب خلافت، به خانه حضرت زهرا علیها السلام وارد شده و در آنجا متحصّن می‌شوند. در روز اول، عده‌ای مانند زُبَیْر، مقداد و گروهی از انصار به همراه عده کمی از مهاجران، در این خانه اجتماع کرده‌اند. این اولین روز از روزهای سه گانه تحصّن است.

● اولین هجوم مقدماتی

ابوبکر، به اصرار عُمر، فُتُفَد - پسر عموی عُمر - را که به خشونت مشهور است، می‌فرستد تا امیر مؤمنان علیه السلام را - که اینک از مراسم تجهیز و تدفین رسول خدا صلی الله علیه و آله فارغ شده‌اند - برای بیعت فراخواند. عُمر اصرار دارد که: تا از او بیعت نگیریم، به جایی نرسیده‌ایم. برخی از طرفداران، گرفتن بیعت را در آن شرایط، مناسب نمی‌دیدند، اما عُمر همچنان اصرار بر گرفتن بیعت می‌کند. فُتُفَد سه بار مراجعه می‌کند.

در مرتبه اول بیان می‌کند: با خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کنید که او، شما را می‌خواند.

در مرحله دوم می‌گوید: با خلیفه مسلمانان بیعت کنید.

و در سومین مراجعه، ادّعا می‌کند: امیرالمؤمنین ابوبکر را اجابت کرده و با او بیعت کنید.

پاسخ، در هر سه بار روشن است. اهل بیت علیهم السلام این القاب را مخصوص امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌دانند و با ناراحتی هرچه تمام‌تر او را جواب می‌گویند.

پس از مراجعه سوم، عُمر که قصد ارباب حاضران را نیز دارد، خطاب به ابوبکر می‌گوید:

امر خلافت جز باکشتن او به استواری نخواهد رسید.

ابوبکر، زیرکانه او را به آرامش فرا می‌خواند و به فُتُفَد می‌گوید که بار دیگر مراجعه کند و به امیر مؤمنان علیه السلام بگوید:

پاسخ ابوبکر را بده.

امیر مؤمنان علیه السلام در پاسخ می‌فرمایند:

من به سفارش برادرم رسول خدا صلی الله علیه و آله، مشغول جمع‌آوری قرآن هستم و از خانه خارج نمی‌شوم؛ تو نیز به نزد ابوبکر بازگرد.

● دومین هجوم ابتدایی

اینک، نوبت عُمر است؛ او با اشاره ابوبکر، به همراه فُتُفَد به خانه امیر مؤمنان علیه السلام می‌آید.

عُمر، از خشونت و اعمال زور سخن به میان می‌آورد.

او حتّی اهل خانه را به احراق و آتش زدن تهدید می‌کند.

آنان می‌دانند که برای اعلان رسمی خلافت، احتیاج دارند که

بیعت شخص علی بن ابی طالب علیه السلام را به همراه داشته باشند.

در این ماجرا، امیر مؤمنان علیه السلام با حضور در آستانه در

می‌فرمایند:

قسم یاد کرده‌ام که از خانه خارج نشوم و ردا بر دوش نگیرم، تا آن‌که قرآن را جمع‌آوری کنم. این سخن، مهاجمان را که شرایط را مناسب نمی‌بینند، به ظاهر آرام می‌کند. آنان پراکنده می‌شوند تا در فرصتی دیگر باز گردند...

حوادث روز پنج‌شنبه

سه روز پس از وفات

● ادامه جمع‌آوری قرآن و تحصّن

با طلوع خورشید، فراق و دوری مسلمانان از پیامبرشان ﷺ، به سومین روز خود، وارد می‌شود.

امروز نیز امیر مؤمنان علیه السلام به جمع‌آوری قرآن مشغول‌اند.

تاریخ حکایت می‌کند که این امر مهم، سه روز متوالی به طول انجامیده است.

هنوز هم عده‌ای به نشانه اعتراض، به خانه امیر مؤمنان علیه السلام رفت و آمد دارند.

در این روز یا روز بعد، در میان متحصّنان در خانه امیر مؤمنان علیه السلام، نام طلحه و سعد بن ابی وقاص نیز مشاهده می‌شود. بی‌شک، این دو نفر از عاملان دستگاه خلافت هستند و آمده‌اند تا از درون تحصّن‌کنندگان اخبار را پیگیری نمایند.

حوادث روز جمعه

چهار روز پس از وفات

● اتمام جمع آوری قرآن

امروز، سومین و آخرین روزی است که امیر مؤمنان علیه السلام به جمع آوری قرآن مشغول اند.

آن حضرت علیه السلام قرآن را به ترتیب نزول، همراه با مطالبی حاوی شأن نزول، تفسیر و تأویل، زمان نزول، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و ... تدوین می نمایند.

در پایان این روز پرماجرا، این گردآوری نیز به اتمام خواهد رسید. اکنون، این یادگار نبوت، از گزند تغییر، تحریف و نسیان در امان است.

اینک، اولین نماز جمعه به امامت ابوبکر صورت می پذیرد. آن گروه که به نشانه اعتراض در خانه امیر مؤمنان علیه السلام تحصن کرده بودند، امروز نیز به خانه آن حضرت علیه السلام می آیند و از شرکت در نمازی که در مسجد النبی تشکیل شده است، امتناع می کنند.

● هجوم منجر به شکست تحصّن

بار دیگر فُتُذ - غلام ابوبکر - با گروهی راهی می‌شود تا متخلفان را که در خانه حضرت امیر علیه السلام جمع شده‌اند، برای بیعت با ابوبکر فراخواند. متحصّنان در خانه امیر مؤمنان علیه السلام از خروج امتناع می‌کنند.

فُتُذ در کنار خانه می‌ایستد و فردی را به سوی خلیفه روانه می‌کند تا کسب تکلیف نماید.

این بار، عُمَر به همراه گروه زیادی از انصار و عدّه کمی از مهاجران، به سوی خانه امیر مؤمنان علیه السلام حرکت می‌کنند.

خالد بن ولید از مهاجران و اُسَید بن حُضَیر (نقیب قبیله اُوس)، سَلَمَة بن سَلَمَة^۱، زیاد بن لبید انصاری، زید بن اُسَلَم، محمد بن مَسَلَمه و... از انصار، عُمَر را همراهی می‌کنند.

عُمَر و اطرافیان وی پس از رسیدن به خانه امیر مؤمنان علیه السلام، با فریاد و سر و صدا تهدید را آغاز می‌کنند و از متحصّنان می‌خواهند که خارج شده و بیعت کنند.

در این میان چند نفری از جمله زید بن اُسَلَم، هیزم می‌آوردند و تهدید به آتش زدن خانه جدّی‌تر می‌شود.

از میان تحصّن‌کنندگان، زُبَیر با شمشیر خارج می‌شود.

عدّه‌ای بر سر او می‌ریزند و دستش را می‌گیرند و شمشیر وی را با کوبیدن به سنگ می‌شکنند.

مهاجمان به خانه وارد می‌شوند و تمامی تحصّن‌کنندگان را

خارج می‌کنند و همگی آن‌ها را به زور تا مسجد می‌کشانند و از همگی بیعت می‌گیرند.

در این میان، امیر مؤمنان علیه السلام که قسم یاد کرده‌اند تا قرآن را جمع نکنند از خانه خارج نشوند، همچنان در منزل خویش باقی می‌مانند. مهاجمان نیز با توجه به تهدید حضرت صدیقه کبری علیه السلام به انجام نفرین، اقدام بیشتری برای گرفتن بیعت از وی انجام نمی‌دهند. اهل سقیفه به سخن می‌آیند: علی یک نفر است، به بیعت او احتیاجی نیست.

اما در این هجوم، به شدّت حرمت حریم بیت علوی علیه السلام می‌شکند و بیت فاطمه علیه السلام تا مرز سوختن در آتش جلو می‌رود.

● اولین شب یاری طلبی

در پایان روز، پس از آن که امیر مؤمنان علیه السلام از جمع آوری قرآن فارغ می‌شوند، برای اتمام حجّت، به خانه تک تک مهاجران و انصار که در جنگ بدر شرکت داشتند، می‌روند.

خاندان وحی علیه السلام نیز همگی، آن حضرت علیه السلام را همراهی می‌کنند.

حضرت صدیقه علیه السلام سوار بر مرکب و حَسَنَین علیه السلام دست در دستان امیر مؤمنان علیه السلام.

عدّه‌ای بهانه می‌آورند؛ برخی سکوت اختیار می‌کنند؛ دسته‌ای بی‌شرمانه می‌گویند:

اگر این سخنان را زودتر می‌شنیدیم، با شما بیعت می‌کردیم ...

۱ - در برخی مدارک نام او سَلَمَة بن اُسَلَم نیز آمده است. وی نیز از قبیله اُوس است.

حوادث روزهای شنبه و یکشنبه

پنجمین و ششمین روز پس از وفات

● مصادرهٔ اموال

صبح شنبه، حضرت زهرا علیها السلام برای بازپس‌گیری اموال خویش، به سراغ ابوبکر که در مسجد نشسته است، می‌روند. آری، ترفند دیگری از سوی سقیفه‌گران، به اجرا درآمده است.

ابوبکر با استناد به سخنی که به دروغ آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهد، ادعا می‌کند که شنیده است:

ما گروه پیامبران، ارث نمی‌گذاریم.

در نتیجه، او هر آنچه را که متعلق به حضرت زهرا علیها السلام و خاندان نبوت است، مصادره می‌کند.

پس از آگاهی حضرت زهرا علیها السلام از این ترفند، آن حضرت علیها السلام برای احقاق حقوق مالی خویش، به سراغ ابوبکر می‌روند.

عده‌ای در اطراف ابوبکر در مسجد نشسته‌اند.

با ورود حضرت زهرا علیها السلام به مسجد و مطالبهٔ اموال از سوی

● دومین و سومین شبِ یاری طلبی

در انتهای این دو شب، امیر مؤمنان علی علیه السلام، بار دیگر حضرت زهرا علیها السلام را بر روی مرکبی می‌نشانند و دست حسنین علیهم السلام را می‌گیرند و به طلب یاری و اتمام حجّت، به در خانه مهاجران و انصار می‌روند.

بسیاری درها را باز نمی‌کنند و پاسخ نمی‌گویند. باز هم گروه بسیار اندکی دعوت آن حضرت علیها السلام را اجابت می‌کنند.

ایشان، ابوبکر ادّعی خویش را تکرار می‌کند و می‌گوید:

از پیامبر شنیده‌ام: ما انبیا ارث نمی‌گذاریم.

این سخن را حضرت زهرا علیها السلام جعلی می‌خوانند و انتساب آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله مردود می‌شمارند.

ابوبکر به نر می سخن می‌گوید و با هم دستی اطرافیان وی، دادخواهی حضرت زهرا علیها السلام به جایی نمی‌رسد.

از این زمان تا روز نهم پس از وفات، مراجعه‌های چند باره حضرت زهرا علیها السلام برای استرداد اموال در تاریخ ثبت شده است.

با شنیدن این سخن عجیب، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نزد عایشه می‌روند.

آنان نگران وضعیّت زندگی خویش در خانه‌های متعلّق به پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و از درستی حدیث «ما انبیا ارث نمی‌گذاریم» سؤال می‌کنند.

عایشه با تأیید این سخن، آن را روایتی درست می‌شمارد!!

نگرانی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله افزایش پیدا می‌کند.

دستگاه خلافت از طریق عثمان خبر می‌آورد که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله عایشه دختر ابوبکر و حفصه دختر عمر، می‌توانند در خانه‌های خویش زندگی کنند.

حکم مصادره ارث پیامبر صلی الله علیه و آله تنها در مورد دختر پیامبر صلی الله علیه و آله

اعمال خواهد شد!

حوادث روز دوشنبه

هفتمین روز پس از وفات

● اتمام حجّت و آغاز سکوت

نصرت خواهی امیر مؤمنان علیه السلام پس از سه روز، به پایان می‌رسد و تکلیف قیام با شمشیر، از دوش جانشین بر حق رسول خدا صلی الله علیه و آله برداشته می‌شود. آن حضرت علیه السلام در آغاز صبح، به چهار تن از یاران باوفایش (مقداد، سلمان، ابوذر، زُبَیر) امر می‌کنند که به خانه برگردند و سکوت اختیار کنند.

این گروه اندک، تنها یاران واقعی در آن شرایط حسّاس‌اند و به یاری دیگران امیدی نیست.

● عرضه قرآن

مهم‌ترین واقعه امروز، عرضه قرآن توسط امیر مؤمنان علیه السلام است. آن حضرت علیه السلام وارد مسجد شده - در حالی که گروهی در اطراف ابوبکر در مسجد حاضر هستند - با صدای بلند می‌فرمایند:

... ای مردم! من مانند هارونم در میان آل فرعون و مانند باب توبه‌ام در میان بنی اسرائیل، همچون کشتی نجاتم در میان قوم نوح. من خبر عظیم و راستگوی بزرگ هستم ...

آری! این خطبه که شامل انتقادهای فراوان به شخص خلیفه و سیر حکومت ابوبکر است، در تاریخ با نام «خطبة الوسيله» به یادگار می‌ماند.

پس از پایان این اتمام حجّت، امیر مؤمنان علیه السلام، قرآن تألیفی خویش را به منزل می‌برند.

این قرآن، یادگار نبوّت و امامت تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام است.

ای مردم! من پس از پایان غسل و دفن رسول خدا صلی الله علیه و آله، به جمع‌آوری قرآن مشغول شدم، اینک این قرآن، که یکی از دو ثقل است و من، که ثقل دیگر آن هستم.

در این قرآن، تنزیل و تأویل و ناسخ و منسوخ روشن است، تا روز قیامت نگویید که من، کتاب خدا را از آغاز آن تا انتهایش برایتان نیاوردم.

عُمَر پاسخ می‌دهد: ما را به تو و قرآنی که آورده‌ای، احتیاج نیست، ما نزد خود قرآن داریم.

● خطبة «وسيله»

در پس این سخن، امیر مؤمنان علیه السلام خطبه‌ای رسا ایراد می‌فرمایند:

... ای مردم! آیا نشنیدید که پیامبر صلی الله علیه و آله در باره من فرمود:

نسبت علی به من همانند نسبت هارون به موسی است، مگر این که پس از من، پیامبری نیست ...

و این که [در غدیر خم، پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود:

هر کس که من مولای اویم، پس این علی مولای اوست ...

در همین روز، خدای عزّوجلّ چنین نازل کرد:

امروز، دینتان را کامل کردم، نعمت را بر شما تمام ساختم و چنین اسلامی را به عنوان دین، برایتان پسندیدم.^۱

حوادث روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه

هشتمین و نهمین روز پس از وفات

● فهرست اموال مصادره شده

در طّی این دو روز، همانند سه روز گذشته، حضرت صدّیقه طاهره علیها السلام مراجعه‌هایی برای بازپس‌گیری اموال خویش دارند. تاریخ حکایت می‌کند که تا روز نهم، غیر از باغ‌های هفت‌گانه و فدک، بقیه اموال، توسط دستگاه خلافت غصب شده است.^۱ این اموال، شامل مواردی فقهی مانند ارث و خمس می‌شوند که ابوبکر، به بهانه حدیث مجعول «پیامبران ارث نمی‌گذارند» تمامی این اموال را غصب می‌کند. در پی مراجعه‌های حضرت زهرا علیها السلام برای بازپس‌گیری ارث و

۱- علّت مصادره نشدن این باغ‌ها قابل بررسی است؛ به لحاظ سیاسی، مصادره این ملک برای دستگاه خلافت تبعات سنگینی می‌توانست داشته باشد و بنی‌هاشم را که از عایدات این باغ‌ها بهره‌مند بودند، از پوسته مخالفت ضمنی درآورده و به ستیز علنی با حکومت وقت وارد می‌کرد.

اموال صدیقه طاهره علیها السلام به شرح زیر است:

نام اموال	نحوه تملک صدیقه طاهره <small>علیها السلام</small>	ارزش تقریبی	محل استقرار
۱ فَدَک	هبه	زیاد	هم جوار خَیْبَر
۲ باغ های هفت گانه	هبه	متوسط	مدینه
۳ بخش هایی از دژ القموص از منطقه الکتیبه	۱- ارث ۲- سهم ذی القربا از خمس	زیاد	خَیْبَر
۴ باقی مانده زمین های بنی نضیر	ارث	متوسط	مدینه
۵ بازار مَهْزور	ارث	متوسط	مدینه
۶ دژ سلالیم	ارث	بسیار زیاد	خَیْبَر
۷ دژ وَطیح	ارث	زیاد	خَیْبَر
۸ وادی القری	ارث	بسیار زیاد	بین خَیْبَر و شام
۹ تیماء	ارث	زیاد	بین خَیْبَر و شام

خُمس، خلیفه ادّعا می کند که حتّی خُمس هم متعلّق به ایشان نیست و خلیفه، تقسیم آن را به عهده خواهد داشت.

در تاریخ اشاره شده است که در برخی از مراجعه ها، عبّاس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام را همراهی می کرده است.

البته هیچ یک از این موارد، تأثیری در روند مصادره اموال پدید نمی آورد و تا پایان خلافت ابوبکر، هیچ کدام از این اموال مسترد نمی شود.

نکته قابل توجه در این ماجرا این است که سهم همه مسلمانان از محصول و زمین خَیْبَر و اراضی بنی نضیر - از جمله سهم شخص خلیفه اول، خلیفه دوم و دخترانشان - محترم شمرده می شود.

جالب تر آن که دختر خلیفه اول، در حجره و خانه ای زندگی می کند که میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و «ارث پیامبر صلی الله علیه و آله» است.

وی پس از چندی، منزل و حجره شخصی رسول خدا صلی الله علیه و آله را نیز تصرف می کند تا در آینده، پدر خویش را در آن جا و در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله دفن نماید.

وی بعدها خانه خود و خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله را با این شرط که تا پایان حیات در تصرف خودش باقی بماند، به بهایی گزاف به خلفای وقت می فروشد.

این بر خوردهای دوگانه در باب «ارث گذاری انبیا» تأمل برانگیز است.

حوادث روز پنج‌شنبه

دهمین روز پس از وفات

● آغاز مصادرهٔ فدک

دستگاه خلافت، اینک از تثبیت نسبی برخوردار شده است. سقیفه گران، با مصادرهٔ میراث پیامبر ﷺ و سهم ذی‌القربا (خمس)، پیروزی دیگری را تجربه کرده‌اند. اینک خبرها حکایت از تصمیم خلیفه به مصادرهٔ دیگر اموال اهل بیت علیهم‌السلام می‌کند. حاکمان سقیفه، پس از مصادرهٔ ارثِ خاندان وحی علیهم‌السلام و خمس متعلق به ایشان، چشم به فدک دوخته‌اند. فدک کی‌که هبه و هدیهٔ رسول خدا ﷺ به صدیقۀ طاهره علیهم‌السلام است و حکم ارث یا خمس بر آن جاری نمی‌شود.

● **خطابه فاطمی**

این خبر به خانه وحی می‌رسد. آن بانوی الهی علیها السلام مقنعه به سر می‌افکنند و خود را در چادری می‌پیچند و با گروهی از زنان بنی‌هاشم به جانب مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله گام می‌نهند. ورود آن حضرت علیها السلام، هم‌زمان با حضور ابوبکر در مسجد است.

آن حضرت علیها السلام در پس پرده می‌نشینند و خطبه‌ای رسا، علیه دستگاه حاکم ایراد می‌فرمایند.

این خطبه که مخاطبش گروه زیادی از مهاجر و انصار بود، بعدها به «خطبه فدک» شهرت می‌یابد، چراکه در مراحل پایانی مطالبه «میراث» و آستانه تحقق «غصب فدک» ایراد گردیده است. در این سخنرانی، صدیقه طاهره علیها السلام پس از حمد و ثنای الهی و معرفی پدر بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و آله، از گسترش روند نامسلمانی و برخاستن پرچم نفاق سخن راندند.

در پی آن، به استناد آیات قرآن کریم، خود را میراث‌دار رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی کرده و به شدت به مصادره ارث خویش توسط خلیفه وقت اعتراض می‌نمایند.

سخن حضرت زهرا علیها السلام در اوج خویش، چندین بار زیرکانه توسط خلیفه قطع می‌گردد تا از تأثیر آن کاسته شود، اما در نهایت، آن چنان تأثیر می‌گذارد که در تاریخ نقل می‌کنند:

تابه آن روز دیده‌نشده که مردمان چنین ناله و گریه‌ای سر دهند.

● **واکنش تند خلیفه**

کار آن چنان سخت گردید که خلیفه که تا آن لحظه همواره به نرمی و محترمانه سخن می‌گفت و حتی بعضاً با سر خم کردن و گریان شدن، عواطف خویش را از جنایات اطرافیانش، متأثر نشان می‌داد و خشونت‌های لفظی و عملی را بر عهده دیگران می‌گذاشت، این بار خطر را به روشنی دریافته و زبان خویش را از بند سیاست بازی بیرون می‌کشد.

وی با اشاره به امیر مؤمنان علیه السلام که در مسجد حضور داشتند، برای سرکوب احساسات برانگیخته مردم، بر روی منبر رفت و گفت:

این چه سر و صدایی است که راه انداخته‌اید؟ همانا او روباهی است که شاهد او، دم اوست. برپاکننده فتنه است. کمک از ضعفا می‌خواهد و یاری از زنان می‌طلبد [و این جانیز سرش را پایین انداخته است]. او مانند ام‌طحال^۱ است که عزیزترین کسان نزد وی افراد فاحشه بودند.

این حکایت به قدری تکان دهنده و توهین‌آمیز است و عنان سخن آن چنان از دست خلیفه رها شده که «ابن ابی الحدید سنی مذهب» نیز متعجبانه از استاد خویش «ابویحیی جعفر بن یحیی بن ابوزید بصری» می‌پرسد:

ابوبکر تمام این کلمات را به علی علیه السلام نسبت داده است؟!

استاد پاسخ می‌دهد:

۱- زنی که در بدکارگی در جاهلیت شهره بود!!

این دوازده تن، هم پیمان می‌شوند که فردا حجّت را بر ابوبکر تمام سازند.

نام این دوازده تن چنین است:

۶ نفر از مهاجران: مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، بُریده اَسلمی و خالد بن سعید.

۶ نفر از انصار: خُزَیمَة بن ثابت، اُبَی بن کَعْب، سَهْل بن حُنَیْف و برادرش عُثْمَان، ابوايُوب انصاری و ابوهِئَم بن تَیْهَان.

آری پسر، مُلک و سلطنت است که کار را بدین جا می‌کشاند! سخنان خلیفه با تهدید شدید انصار به سرکوب توسط نظام خلافت پایان می‌پذیرد و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و امیر مؤمنان علیه السلام به منزل باز می‌گردند.

ابوبکر نیز از منبر پایین می‌آید.

سخنان صدیقه کبری علیها السلام تأثیر شگرفی بر روند وقایع بعدی داشته است.

با تأثیر عمومی این سخنان، ۱۲ نفر از مهاجر و انصار تصمیم می‌گیرند که به هر صورت ممکن، ابوبکر را از منبر پایین کشیده، خلافت را به صاحب اصلی آن تحویل دهند.

در این میان، ترس از بی‌نتیجه ماندن این کار و خطر جانی چنین عملی، آنان را به مشورت با امیر مؤمنان علیه السلام فرامی‌خواند.

● هم‌پیمانی دوازده نفر

امیر مؤمنان علیه السلام، چنین عملی را نامناسب می‌بیند و می‌فرماید: اگر بخواهید ابوبکر را از منبر پایین بکشید، شما را تار و مار می‌کنند و به جایی نخواهید رسید، چرا که این امت، سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را رها کرده‌اند.

اما به سراغ آن مرد بروید و آنچه را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده‌اید، به او بگویید که این بهترین اتمام حجّت برای اوست؛ تا روز قیامت او را با دست خالی در برابر خداوند قرار دهند.

حوادث روز جمعه

یازدهمین روز پس از وفات

● دوازده مرد پایدار

اینک آن دوازده نفر در کنار منبر پیامبر ﷺ نشستند.
گروه زیادی از اهل مدینه نیز در مسجد حضور دارند.
با ورود خلیفه و همراهان و نشستن خلیفه بر منبر پیامبر ﷺ،
اولین نفر از این گروه برمی خیزد: خالد بن سعید بن عاص.
او حدیثی را که خود از پیامبر ﷺ شنیده است، می خواند و در
آن، به خلیفه واقعی رسول خدا ﷺ اشاره می کند و از ابوبکر
می خواهد که تقوا را پیشه کند.
عمر حرف او را قطع می کند.
خالد بن سعید با شدت به عمر حمله کرده و با به یاد آوردن
نَسَبِ او و فرارهایش در جنگ ها، او را منکوب می سازد.
از اوضاع مسجد، خلیفه و اطرافیان می فهمند که گروهی با قرار
قبلی پای به میدان سخن نهاده اند.

پس از سکوت عُمر در برابر حمله شدید اللحن خالد بن سعید، تا پایان سخنان این دوازده نفر، احدی از سقیفه گران سخن نمی گوید.

سلمان با ابوبکر سخن می گوید و ابوذر بدون توجه به خلیفه، مسلمانان را مخاطب قرار داده و آنان را توبیخ می کند.

مقداد روی کلام را به ابوبکر برمی گرداند و با سخنان قاطع خویش، او را به نیرنگ متهم می سازد...

آخرین نفر ابویوب انصاری است که با حدیثی در مدح امیر مؤمنان علیه السلام، گفتار خویش را به پایان می رساند.

حوادث روزهای شنبه، یکشنبه، دوشنبه

دوازده، سیزده و چهاردهمین روز پس از وفات

● سه روز خانه نشینی و برنامه ریزی

ابوبکر در این سه روز در منزل می ماند و به مسجد نمی آید. زمزمه هایی به گوش می رسد و گمان ها بر این نظر می شود که شاید ابوبکر در صدد تحویل حکومت به صاحب اصلی آن است.

بنی هاشم نیز به این سخنان دامن می زنند. اما خلیفه از این خانه نشینی هدف دیگری را دنبال می کند. یاران او در صدد هستند که برای تثبیت ابوبکر، به هر هدفی که در مقابل ایشان است و آن را به چنگ نیاورده اند، هجوم برند!

این اهداف را این چنین می توان برشمرد:

(۱) تثبیت قاطعانه خلافت.

(۲) تصمیم قطعی و تأکید بر موضع قبلی در قبال «مصادره فدک»

به عنوان آخرین دارایی اهل بیت علیهم السلام.

(۳) گرفتن بیعت از امیر مؤمنان علیه السلام به هر صورت ممکن.

● تأثیر احتجاج در مسجد

جو مسجد بسیار سنگین است. بر سر منبر، ابوبکر که خود را از پاسخ ناتوان می بیند، می گوید:

خلیفه تان بودم، ولی بهترینتان نبودم، رهایم کنید.

عمر به خشم می آید: ای پست و فرومایه پایین بیا! تو که خود را لایق نمی دیدی، چرا خود را در آن قرار دادی؟ به خدا قسم باید تو را برکنار کنم و سالم غلام ابو حذیفه را جای تو قرار دهم.

ابوبکر پایین می آید و با اطرافیان از مسجد خارج شده و به سوی منزل خویش می رود.

اهل مدینه منتظر سرانجام کار هستند.

خطابه فاطمی و در پی آن، اعتراض این دوازده نفر، ضربه

مهلکی بر پیکره خلافت نوپای ابوبکر زده است.

حوادث روز سه‌شنبه

پانزدهمین روز پس از وفات

● سقیفه‌ای دیگر

در چهارمین روز، خالد بن ولید، سالم غلام ابوحدیفه و مُعاذ بن جبَل، هر یک با گروه زیادی از افراد مسلح قبیله خود و هم‌پیمانانشان و هم‌چنین طلحه، عثمان، عبدالرحمان بن عوف، سَعْد بن ابی وقاص، ابو عبیده و سعید بن زید بن عمرو بن نفیل، هر یک به همراه عده‌ای از قبیله خویش، به کنار خانه ابوبکر می‌آیند و شمشیرها را بیرون می‌آورند و اعلام می‌کنند:

جز ابوبکر کسی را خلیفه نمی‌دانیم.

ابوبکر به همراهی این گروه از خانه خارج می‌شود و با عبور از کوچه‌های مدینه، وارد مسجد پیامبر ﷺ شده، از منبر بالا رفته و بر فراز آن قرار می‌گیرد.

عمر فریاد می‌زند:

به خدا قسم ای صحابه علی! اگر سخنی همانند آن چه قبلاً از شما شنیدیم، بگویند، جانتان را خواهیم ستاند.
برخی زبان به اعتراض می‌گشایند، اما عُمر برای کشتن آنان به سویشان حمله می‌کند.

امیر مؤمنان علیه السلام برمی‌خیزد و عُمر را به گوشه‌ای پرت کرده و از حمله اطرافیان عُمر به معدود حامیان خویش جلوگیری می‌کند.
ایشان، یاران خویش را به سکوت دعوت می‌کنند و رحمتِ خدایی را برای آنان طلب می‌نمایند.
غائله فرو می‌نشیند.

اینک، بار دیگر ابوبکر بر منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته است.

● مصادرهٔ قطعی فدک

قدرت حاکمه برای نشان دادن اقتدار خویش، در همین روز، یعنی پانزدهمین روز پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله، کارگزاران حضرت صدیقهٔ کبریٰ علیها السلام را از فدک اخراج می‌کند.

این تصمیم، به ظاهر در آغاز صبح و با فرستادن عناصر خلیفه به سوی منطقهٔ خَیبر و دهکدهٔ فدک صورت گرفته است.

اینک دو هدف مهم، جامهٔ عمل به خود گرفته است:

۱- تثبیت خلافت.

۲- غصب فدک.

حوادث روز چهارشنبه

شانزدهمین روز پس از وفات

● فهرست دیگری از اموال مصادره شده

عاملان صدیقهٔ طاهره علیها السلام که دیروز از فدک اخراج شده‌اند، امروز وارد مدینه شدند. بدین ترتیب، منازعهٔ صدیقهٔ طاهره علیها السلام با دستگاه خلافت به مرحله‌ای جدید وارد می‌شود.

به غیر از فدک، اموال دیگری نیز در آینده - پس از شهادت صدیقهٔ طاهره علیها السلام - غصب خواهد شد.

خانه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله از این جمله‌اند.^۱

همان‌گونه که اشاره گردید، عایشه، نه تنها خانهٔ خویش را در تملک دارد، بلکه خانهٔ شخص پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز به تصرف درمی‌آورد. وی خانهٔ خویش را یک بار در زمان عثمان و بار دیگر در زمان معاویه به خلفای وقت می‌فروشد!

۱- این خانه‌ها به تصریح تاریخ، متعلق به پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، وارث حقیقی این خانه‌ها، حضرت صدیقهٔ طاهره علیها السلام بوده‌اند.

قیمت فروش در یکی از این موارد ۲۰۰۰۰۰۰ درهم است.^۱
 البتّه عایشه - دختر خلیفهٔ اوّل - در فروش این ملک، شرط
 می‌گذارد که تا آخر عمرش در آن جا ساکن باشد.

حوادث روز پنج‌شنبه

هفدهمین روز پس از وفات

● آغاز تلاش برای بازپس‌گیری فدک

پس از مصادرهٔ فدک، حضرت صدیقهٔ طاهره علیها السلام مراجعه‌های
 مکرّری برای بازپس‌گیری فدک داشتند که چندین روز ادامه یافت.
 این ملک، نه حکم «ارث» را بر خویش دارد و نه شامل «خمس»
 می‌شود.

خلیفهٔ اوّل به شکل‌های مختلف، از پس دادن این ملک امتناع
 می‌کند.

حضرت صدیقهٔ طاهره علیها السلام با این منطقی که فدک «هدیه و
 هبه‌ای» از جانب خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان است، سخن
 خویش را به پیش می‌رانند.

خلیفه، بارها شهود صدیقهٔ طاهره علیها السلام را تخطئه می‌کند و
 اطرافیان دستگاه خلافت، علیه آن حضرت علیها السلام، هم‌داستان
 می‌شوند...

۱- در آن زمان، هر ۴ درهم، خرج متوسط یک خانوار در یک ماه بوده است.

● تنظیم سند استرداد فدک

به اشاره و راهنمایی امیر مؤمنان علیه السلام و در یک فرصت مناسب، حضرت صدیقه کبری علیها السلام وارد مسجد می شوند. زمانی که ابوبکر در میان عده ای بر منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته است و عمر بن خطاب و دیگر عناصر اصلی سقیفه، همراه او نیستند. حضرت صدیقه کبری علیها السلام ابوبکر را مخاطب قرار می دهند و با آوردن شاهد و گرفتن گواه از حاضران در مسجد، فدک را بخشش رسول خدا صلی الله علیه و آله به خود می دانند. ابوبکر که خود را در برابر عمل انجام شده می بیند، برای حفظ آبرو و عوام فریبی، دستور می دهد تا قلم و دواتی بیاورند. سند باز پس دادن فدک در حضور حاضران تنظیم می شود.

● بازپس گیری سند

به نظر می رسد یکی از شاهدان این ماجرا، خبر را برای عمر می برد. عمر بانزدیک شدن به مسجد، آگاهی پیدا می کند که سند استرداد فدک در حال تنظیم است. او شرایط را برای ورود به مسجد و جلوگیری از نوشتن قبالة استرداد فدک مناسب نمی بیند. لذا برای گرفتن قبالة فدک، در کنار مسجد به انتظار بازگشت صدیقه طاهره علیها السلام به سوی خانه اش می ماند... در نهایت این سند، توسط عمر، به اکراه و اجبار از آن بانو گرفته و پاره می شود.

حوادث روزهای جمعه تا پنجشنبه

چهارمین هفته پس از وفات

● سرمست از پیروزی

با حضور حضرت زهرا علیها السلام در صحنه مخالفت علنی با ابوبکر و استمرار مطالبه فدک، دستگاه خلافت هنوز خود را تثبیت شده نمی یابد. اینک خلیفه، به آخرین نقشه نیز باید جامه عمل بپوشاند. در مسجد باز هم سخنان سیاست بازان بلند می شود: تا از علی بیعت نگیریم، راه به جایی نبرده ایم. آری! اخذ بیعت از امیر مؤمنان علیه السلام - که خود صاحب بیعت غدیر است - برای توجیه افکار عمومی که با تلاش های خستگی ناپذیر حضرت زهرا علیها السلام رو به بیداری است، بهترین ترفند است. رسوایی های پی در پی خلیفه در برخورد با خاندان و حی علیه السلام و پیروان ایشان، نظام خلافت را متقاعد ساخته است که باید بیعت را بر امیر مؤمنان علیه السلام تحمیل نماید.

از سوی دیگر، در خانه جز امیر مؤمنان علیه السلام، صدیقه طاهره علیها السلام و فرزندان ایشان کسی حضور ندارد.

فریاد عمر، اهل خانه را مخاطب قرار می دهد:

اگر در را باز نکنید، خانه را با اهلش، به آتش می کشم.

ای علی! برای بیعت و ورود به اجتماع مسلمانان خارج شو! وگرنه تو را می کشیم.

خالد بن ولید، عبدالرحمان بن عوف، قنفذ، اسید بن حضیر، مغیره بن شعبه، ابو عبیده، سالم غلام ابو حذیفه، محمد بن مسلمه، زید بن ثابت و ... نیز عمر بن خطاب را همراهی می کنند.

● آخرین هجوم (= هجوم اصلی)

حضرت صدیقه کبری علیها السلام پشت در می آیند و می فرمایند:

ای گمراهان دروغ پرداز! چه می گوئید! و چه چیزی را طلب می کنید؟

پاسخ روشن است، آن ها خروج امیر مؤمنان علیه السلام را خواستارند. عمر می گوید: این اباطیل را رها کن و سخنان زنانه را کنار بگذار و به علی بگو خارج شود.

صدیقه طاهره علیها السلام امتناع می کنند. ایشان می دانند که این قوم، قصد جان امیر مؤمنان علیه السلام را دارند. مهاجمان هیزم ها را به آتش می کشند، آتش به چوب در اثر می کند و دود وارد خانه می شود.

قنفذ تلاش می کند که در را باز کند. حضرت علیها السلام مانع می شوند. عمر با تازیانه دست های بانوی دوسرا را از دور می سازد.

نهایت آمال و آرزوی آنان را باید در نبود امیر مؤمنان علیه السلام جستجو کرد. برای رسیدن به این مقصود، بار دیگر قنفذ به همراه گروهی راهی می شود تا به هر نحو ممکن، امیر مؤمنان علیه السلام را برای بیعت بیاورد؛ اما سخنان حضرت زهرا علیها السلام دست قنفذ را کوتاه می کند.

قنفذ به مسجد بر می گردد و بیان می دارد که حضرت زهرا علیها السلام به پشت در آمده و از ورود آن ها جلوگیری به عمل می آورد.

هتک حرمت فاطمی را خلیفه دوم به عهده می گیرد:

ما را چه کار با زنان!

او، خالد بن ولید و قنفذ را طلب می کند. طبق برنامه از قبل

پیش بینی شده، جماعتی نزدیک به سیصد نفر جمع می شوند.

خلیفه اول می گوید:

او را به شدیدترین صورت ممکن از خانه خارج کنید و برای بیعت بیاورید. اگر امتناع کردند، با ایشان بجنگید.

گروهی با شمشیر و نیزه و برخی هیزم به دست، به سوی خانه امیر مؤمنان علیها السلام حرکت می کنند.

● تجمع مردان مسلح

اینک گروه زیادی مقابل در خانه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام ایستاده اند.

کوپه های اطراف مسجد از فراوانی مردان مسلح، بسته شده و خانه به محاصره درآمده است.

نقشه تقریبی بیت فاطمه علیها السلام در سال یازدهم هجری

مسجد التبی

لگدِ عُمَر در آتشین را می‌گشاید و حضرت صدّیقه علیها السلام در بین دیوار و در، فرزند خویش حضرت محسن علیه السلام را از دست می‌دهند. ایشان از هوش رفته و با صورت بر زمین می‌افتند.

مهاجمان وارد خانه می‌شوند و امیر مؤمنان علیه السلام را با ریسمانی سیاه که برگردن ایشان افکنده‌اند، بیرون می‌آورند.

آن حضرت علیه السلام رو به قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌نمایند و می‌گویند: ای پسر مادرم! این قوم مرا خوار کردند و بر قتل من همّت گماشتند!

صدّیقه طاهره علیها السلام به هوش می‌آیند و به سوی امیر مؤمنان علیه السلام می‌روند تا آن حضرت علیه السلام را از دست مهاجمان رهایی بخشند.

مهاجمان نیک می‌دانند که با حضور آن بانوی الهی، بیعت گرفتن از امیر مؤمنان علیه السلام امکان‌پذیر نیست و حضرت صدّیقه کبری علیها السلام مانعی در این راه است.

تازیانه عُمَر به کتف بانوی دو عالم می‌نشیند؛ خالد بن ولید با غلاف شمشیر از حضرت زهرا علیها السلام استقبال می‌کند؛ تازیانه‌ای از سوی قنُذ صورت و چشم حضرت صدّیقه علیها السلام را نشانه می‌رود؛ مُغیره بن شُعبه نیز ضرباتی را بر پیکر رنجور دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد می‌آورد...

اینک امیر مؤمنان علی علیه السلام را تنها و غریب، به سوی صحن مسجد می‌برند.

یگانه یاور او، غرق در خون، بر زمین افتاده است.

- 1- قبله (جنوب) 2- ستون خزس 3- مدفن خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله
- 4- ستون وفود 5- در خانه حضرت زهرا علیها السلام 6- منزل مسکونی امیر مؤمنان علیه السلام
- 7- باب جبرئیل علیه السلام 8- به طرف بقیع

● بیعتی نمایشی

امیر مؤمنان علیه السلام را در مقابل ابوبکر می‌نشانند.
 عُمَرُ بن حَطَّاب، خالد بن وَلید، ابو عُبَیْدَه، سالمِ غلام ابو حُدَیْفَه،
 مُعَاذ بن جَبَل، مُغِیرَة بن شُعْبَه، اُسَید بن حُضَیْر، بَشیر بن سَعْد و...
 همگی با سلاح، بالای سر و اطراف امیر مؤمنان علیه السلام جمع‌اند.
 عده‌ای دست و بازو و لباس حضرت امیر علیه السلام را گرفته‌اند.
 امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند:
 چه زود بر اهل بیت پیامبرتان حمله بردید!...
 آیا در امر خلافت [در غدیر خم] با من بیعت نکردید!
 عُمَرُ بر روی شانه‌های حضرت علیه السلام می‌نشیند و می‌گوید: بیعت
 کن و این اباطیل را کنار بگذار! اگر بیعت نکنی تو را خواهیم کشت!
 قسم یاد می‌کنیم که گردن تو را خواهیم زد!
 امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: در این صورت بنده خدا و برادر
 رسول خدا را می‌کشید.
 عُمَرُ می‌گوید: بنده خدا بودن تو را قبول داریم، اما برادری تو با
 رسول خدا را انکار می‌کنیم...
 سلمان، ابوذر، مقداد، عَمَّار و اُمّ اَیْمَن و اُمّ سَلَمَه - از همسران
 نیکوکار رسول خدا صلی الله علیه و آله -، به دفاع از امیر مؤمنان علیه السلام سخن
 می‌رانند.
 اطرافیان خلیفه مجادله می‌کنند و سخن به درازا می‌انجامد و
 قوم به بیعت یا قتل امیر مؤمنان علیه السلام اصرار می‌ورزند.
 مهاجمان دست‌گیره شده امیر مؤمنان علیه السلام را بالا می‌آورند.

● آخرین جلوه فاطمی

صدّیقه طاهره علیه السلام با بدنی رنجور وارد مسجد می‌شود و چون
 شمشیرهای برهنه را بالای سر امیر مؤمنان علیه السلام مشاهده می‌کنند،
 به تلخی ندا می‌دهند:
 ای ابوبکر! چه زود بر اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیرنگ بستنی.
 به خدا قسم! بر سر قبر پدرم می‌روم و [در خلوت آن جا] موی
 پریشان می‌کنم و شکایت به درگاه الهی می‌برم.
 ابوبکر که به اهداف خود دست یافته است، به همان بیعت
 نمایشی اکتفا کرده و دستور می‌دهد تا مهاجمان، امیر مؤمنان علیه السلام را
 رها سازند.
 آن بانوی بهشتی با قلبی اندوهگین و بدنی پراز جراحت، به
 خانه برمی‌گردند.
 اینک مسجد النبی آخرین گام‌های سرور زنان اهل بهشت را بر
 صحن خویش لمس می‌کند.
 حضرت صدّیقه علیه السلام، از این پس همنشین بستر بیماری است.
 سلمان می‌گوید:
 آن بانوی الهی در پس این وقایع، پیوسته همنشین
 بستر بودند تا به سبب آن جراحات، شهید گشتند.

دورنمای حوادث فاطمیّه

(۰) دوشنبه: رحلت جانگداز خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله - تشکیل سقیفه بنی ساعده و غضب خلافت.

(۱) سه شنبه: اخذ بیعت اجباری از ساکنین مدینه (بیعت عمومی) - احتجاج امیر مؤمنان علیه السلام درباره خلافت در مسجد النبی و مراجعه به منزل - تدفین غریبانۀ خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله در نیمه شب.

(۲) چهارشنبه: اولین روز از ایام جمع آوری قرآن - اولین روز از ایام تحصّن در بیت فاطمه علیها السلام - هجوم های مقدّماتی.

(۳) پنجشنبه: دومین روز از ایام جمع آوری قرآن - دومین روز از ایام تحصّن در بیت فاطمه علیها السلام.

(۴) جمعه: سومین روز از ایام جمع آوری قرآن - سومین روز از ایام تحصّن در بیت فاطمه علیها السلام - هجوم منجر به شکست تحصّن - اولین نوبت از استنصارهای شبانه.

- (۵) شنبه: ایّام مطالبه میراث و سهم ذی‌القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام - دومین نوبت از استنصارهای شبانه.
- (۶) یکشنبه: ایّام مطالبه میراث و سهم ذی‌القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام - سومین نوبت از استنصارهای شبانه.
- (۷) دوشنبه: ایّام مطالبه میراث و سهم ذی‌القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام - بی‌وفایی صحابه در یاری رساندن به امیر مؤمنان علیه السلام - عرضه قرآن توسط امیر مؤمنان علیه السلام و ایراد خطبه "وسيله".
- (۸) سه‌شنبه: ایّام مطالبه میراث و سهم ذی‌القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام.
- (۹) چهارشنبه: ایّام مطالبه میراث و سهم ذی‌القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام.
- (۱۰) پنجشنبه: خطابه فاطمی در مسجدالنبی.
- (۱۱) جمعه: سخنرانی دوازده نفر از یاران امیر مؤمنان علیه السلام در مسجدالنبی و احتجاج آنها با ابوبکر درباره خلافت، پس از کسب اجازه از امیر مؤمنان علیه السلام.
- (۱۲) شنبه: ایّام (سه روزه) انزوای سیاسی ابوبکر.
- (۱۳) یکشنبه: ایّام (سه روزه) انزوای سیاسی ابوبکر.
- (۱۴) دوشنبه: ایّام (سه روزه) انزوای سیاسی ابوبکر.
- (۱۵) سه‌شنبه: تثبیت دوباره پایه‌های حکومت ابوبکر توسط عناصر مسلح کودتا - اخراج کارگزاران حضرت زهرا علیها السلام از فدک.
- (۱۶) چهارشنبه: رسیدن خبر غصب فدک به صدیقه طاهره علیها السلام در مدینه.

(۱۷) پنجشنبه: ایّام مطالبه فدک.

(۱۸) جمعه: ایّام مطالبه فدک.

(۱۹) شنبه: ایّام مطالبه فدک.

(۲۰) یکشنبه: ایّام مطالبه فدک - احتمال وقوع هجوم اصلی در این روز یا پس از آن.

(۲۱) دوشنبه: ایّام مطالبه فدک - احتمال وقوع هجوم اصلی در این روز یا پس از آن.

منابع استخراج روزشمار فاطمیّه

این نوشتار براساس مطالب مندرج در مآخذ ذیل به رشته تحریر درآمده است:

(منابع تخصصی در زمینه استخراج حوادث هجوم اصلی و زمان وقوع آن:)

۱) الهجوم علی بیت فاطمه علیها السلام: عبدالزهراء مهدی.

۲) دانشنامه شهادت حضرت زهرا علیها السلام (جلد ۲ - ۱): علی ثباف.

(منابع تخصصی در زمینه آشنایی با دلایل سکوت امیرمؤمنان علیه السلام در ماجرای هجوم:)

۳) مظلومی گمشده در سقیفه (جلد ۲ و ۴): علی ثباف.

(منابع تخصصی در زمینه مصادره اموال حضرت زهرا علیها السلام):

۴) عبور از تاریکی: عدنان درخشان، علی ثباف.

(منابع تخصصی در زمینه آشنایی با ماجرای سقیفه و غصب خلافت:)

۵) سقیفه: علامه سید مرتضی عسکری.

۶) پس از غروب: یوسف غلامی.

۷) تاریخ خلفا: رسول جعفریان.

۸) خاستگاه خلافت: عبدالفتاح عبدالمقصود.

۹) جانشینی حضرت محمد: ویلفرد مادلونگ.

